

بوی سینمای یوسف

مریم ضیغمی محمدی
گفت و گو

«شب طلائی» نخستین فیلم بلند سینمایی «یوسف حاتمی کیا» پس از نمایش در چهارمین جشنواره فیلم فجر، در ماه آخر تابستان امسال روی پرده سینماها رفت. فیلمی با قصه‌ای جذاب و معماگونه که به عنوان اولین ساخته این فیلمساز سلم و دارای شاخصه‌های اجتماعی درستی است. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «در خانه مادر بزرگ، همه خانواده دور هم جمع شده‌اند تا جشن تولدی برای مادر بزرگ بگیرند. همه چیز خوب پیش می‌رود تا اینکه داماد خانواده که به دلیل سفر در این مهمانی حضور نداشته سرزده می‌رسد و...». در پرونده امروز صدا، در گفت‌وگو با مریم سعادت بازیگر فیلم در باره فیلم و بازی مریم سعادت نوشته‌است که می‌خوانید.

مریم سعادت بازیگر فیلم «شب طلائی» حیف؛ «شب طلائی» کم دیده شد

«مریم سعادت» در حالی در فیلم سینمایی «شب طلائی»، نخستین ساخته «یوسف حاتمی کیا» نقش «زهره خانم»، مادر بزرگ قصه را بازی کرد که با چالش‌هایی روبه‌رو بود چرا که به گفته خودش، «زهره خانم» از «مریم سعادت» نه تنها به لحاظ سنی بلکه به لحاظ ریتم و خصوصیات اخلاقی خیلی دور بود و «سعادت» توانست آن قدر این نقش را باورپذیر بازی کند به طوری که در زمان اکران فیلم در چهارمین جشنواره فیلم فجر منتقدان بر این باور بودند که او برای بازی خویش مورد توجه واقع شود اما به فیلم و «مریم سعادت» کم لطفی شد و چنین اتفاقی نیفتاد. وقتی با او هم‌کلام می‌شوم، خونگرم و پراثری پاسخ سوالاتم را می‌دهد. سعادت در طول مصاحبه نام کوچک کارگردان را در کلامش می‌آورد و ابتدای مصاحبه هم تأکید دارد که به این دلیل به اسم کوچک صدامی‌زیم که مدام نگویم آقای حاتمی کیای جوان و آقای حاتمی کیای بزرگ.

آیا به خاطر حضور چهره شناخته شده‌ای همچون «ابراهیم حاتمی کیا» در مقام تهیه کننده بازی در فیلم اول پسرش، «یوسف حاتمی کیا» را بدتر کنید یا کیفیت فیلمنامه و نقش برای تان در اولویت بود؟

وقتی برای بازی در این فیلم دعوت شدم، به دلیل حضور دوستانم در این پروژه، پیشنهاد حضور در آن را پذیرفتم. «لمید گل زاده» طراح چهره‌پرداز فیلم از دفتر تولید با من تماس گرفت و گفت که «یوسف حاتمی کیا» می‌خواهد کار کند و نقش «زهره خانم» قصه خیلی برای تان خوب است و به من برای بازی پیشنهاد داد. برای تست گریم رفتم چون در حقیقت جوان تر از نقش بودم و برای خودم هم چلشی بود که بینم چهره‌پردازی چطور جواب می‌دهد. به هر حال قرار بود نقشی را بازی کنم که با «مریم سعادت» تفاوت داشت؛ البته نه صرفاً به لحاظ سن و سال بلکه به خاطر روحیه و ریتم این شخصیت چرا که من آدم تند و تیزی هستم. وقتی گریم شدم یوسف دید که ظاهراً من به «زهره خانم» مدنظرش در قصه نزدیک هستم و خودم هم بی‌نهایت با گریم ارتباط برقرار کردم و آن را خیلی دوست داشتم. «لمید گل زاده» به شدت و با وسواس و بدون استفاده از لاکس و فقط با خطوط روی صورت‌م کار کرد و جواب داد. در همان ابتدا هم با یوسف ارتباط برقرار کردم و فهمیدم «زهره خانم» را می‌بیند؛ البته نه تنها این شخصیت، بلکه تک‌تک شخصیت‌های قصه را می‌بیند. بدین ترتیب بود که بازی در فیلم را پذیرفتم.

با توجه به دوری ۱۸۰ روزه‌ای نقش با شما، به چه تحلیل و تعریفی برای ایفای آن رسیدید؟

از آنجا که خودم هم یک مادر هستم، درک و شناخت کافی از این نقش داشتم؛ خانواده بزرگی که «زهره خانم» دوست دارد همه اعضای آن را دور هم جمع کند تا به سلامت زندگی کنند و میان‌هشان با هم خوب باشد. این نگرش یوسف را نسبت به این نقش خیلی دوست داشتم و در طول فیلمبرداری هم هر جا اگر حتی یک نفس تند می‌کشیدم، او به من تذکر می‌داد و با حواس جمع و با اشراف کامل کار می‌کرد.

به نظر شما این اشراف از کجای آمد؟

برای من این موضوع حیرت‌انگیز بود که پسر جوانی که تازه کارش را شروع کرده بود، یک کار بزرگ می‌ساخت و ممکن بود سایه پدر به طور محسوس روی سرش باشد ولی ماسر فیلمبرداری چندبار بیشتر «ابراهیم حاتمی کیا» را ندیدیم و من هر چه دیدم از جنم و جزیره خود یوسف بود. این برایم بسیار جذاب بود که این جوان به شدت با احترام، با شعور و فهمیده بدون ادعا تک‌تک عوامل را جهت دیدگاه خود راهنمایی می‌کرد.

این که یک عده بازیگر قد و نیم قد به لحاظ سنی را دور هم جمع کنی و آنها را به یک وحدت برسانی، خیلی سخت است و او در این زمینه موفق بود، ضمن آن که عزمش را جزم کرده بود که فیلم را به بهترین شکل به سرانجام برساند. از آن گذشته ما گروه بی‌ظنری داشتیم و هر قدر برای تان از وجود نازنین تک‌تک آنها بگویم، باز هم کم است. همه تاجایی که می‌توانستند به هم کمک می‌کردند و هیچ فردی در کار دیگری دخالت نمی‌کرد، هیچ فردی برای دیگری قیافه نمی‌گرفت و گویی نازنین‌ها دستچین شده بودند...

«شب طلائی» فیلم خوبی بود اما در جشنواره فیلم فجر، هم در داوری و هم در بین منتقدان دیده نشد. به نظر م بازی خوبی داشتید و همه می‌گفتند که نامزد می‌شوید و حتی سیمرغ

با توجه به این که مقابل دوربین «یوسف حاتمی کیا» نقش آفرینی کردید، چقدر نقدهای صورت گرفته درباره فیلم را قبول دارید؟ برخی می‌گویند یوسف ز بر سایه پدر فیلم ساخته و برخی معتقد هستند او از سینمای «اصغر فرهادی» کپی برداری کرده است...

شاید اندکی حرفم تند و تیز باشد ولی من سرسوزنی این نقدها را قبول ندارم، به‌خاطر این که «یوسف حاتمی کیا» بی‌ادعا آمد و آن چه را که مسئله‌اش بود، به بهترین شکل ساخت. من فکر نمی‌کردم فیلم این قدر خوب شود چون واقعاً کار سختی بود. حالا اگر فردی شلته‌ی در فرم کار می‌بیند، منصفانه نیست که بگوید کپی از این و آن است؛ هر کارگردانی از کاری که می‌خواهد انجام دهد درک و شناختی دارد. فیلمهایی را که می‌گویند یوسف از آنها کپی برداری کرده، همه ما دیده‌ایم ولی فقط به نظر آنها رسیده که کپی شده است. «شب طلائی»، ۸، ۷، ۸ ساعت از زندگی عادی را روایت می‌کند و ممکن است شبیه خیلی از فیلم‌ها باشد و می‌توانیم هزاران فیلم را به این شیوه بسازیم که هیچ کدام هم شبیه به دیگری نباشد.

می‌گیرید. با توجه به این که بازیگر باتجربه‌ای هستید، این نامزدی چقدر برای شما اهمیت داشت؟

راستش وقتی برای اولین بار فیلم را در جشنواره دیدم، باورم نمی‌شد که فیلمی به این خوبی و گرمی ساخته شده باشد. در واقع فارغ از انتظار بود و خیلی‌ها با من هم‌نظر بودند. من احساس نمی‌کنم که «شب طلائی» در جشنواره فیلم فجر بی‌رحمانه داوری شد و می‌گویم که قسمت نبود در داوری به چشم بیاید یا با تحلیلی دیگر، می‌توان گفت عوامل دیگر فیلم‌ها بهتر بودند و مورد توجه قرار گرفتند. تا این لحظه هیچ وقت دنبال سیمرغ و جایزه نبوده‌ام و همین که عده کثیری معتقد بودند که من باید نلزد می‌شدم و جایزه می‌گرفتم و از نقشم تعریف کردند، مایه خوشحالی‌ام است. البته درباره دیگران واقعاً انتظار دیده شدنشان را داشتم. مدام فکر می‌کردم «حسن معجونی» نامزد می‌شود.

به نظرم تک‌تک بازیگران، حتی نوجوان قصه «شب طلائی» هم خوب بازی کرد. «ناصر هاشمی»، «سینا رازانی»، «بهناز جعفری»، «یکتا ناصر» و همه بازیگران خیلی خوب بودند.